

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۲۸ فروردین ماه ۵۹ شماره ۴۳ تکشماره ۱۰ ریال

## هیئت مخفی روسی در تهران چه میکند؟

طبق اطلاع رسیده چند روز است که یک هیئات اقتصادی روسی وارد تهران شده و پیشنهادات جدیدی را در رابطه با ادامه غارت گاز و هم چنین شروع چپاول نفت ایران داده است. تاکنون ورود این هیات به اطلاع عموم نرسیده و مضمون مذاکرات نیز افشاء نشده است.

گفته میشود پیشنهاد هیات روسی این است که روسیه در مقابل گرفتن گاز

نفت ایران، احتیاجات ایران به دیگر محصولات تامین کند و این معامله به صورت پایاپای (بدون رد و بدل پول) باشد.

بر اساس اطلاع دیگری، برخی از مقامات جمهوری اسلامی ایران در مقابل این پیشنهادات غارتگرانه روسیه که هدفی جز تبدیل کردن ایران به خیات خلوت تزارهای کرملین ندارد، مقاومت کرده و خواسته اند

که روسیه در مقابل صادرات ایران ارز بدهد نه اجناس روسی، سوسیال امپریالیستهای شوروی از فرستادن این هیات و پیشنهادات فوق الذکر چه اهدافی را دنبال می کنند؟

(۱- روسها تلاش می کنند از فرصتی که در اثر مبارزه خلق ما با امپریالیسم آمریکا و تحریم اقتصادی ایران بوسیله آمریکا و بطور کلی مشکلاتی که مادر تجارت خارجی با آن روبه رو هستیم سوء استفاده کنند

## سیاست درست در برخورد به جنبش مطالباتی زحمتکشان

"حزب باید مبارزه برای بهبود وضع زحمتکشان را به عنوان یک وظیفه مبرم و مرکزی جامعه در دستور قرار دهد.

## امپریالیسم آمریکا در حال زوال

قوا بفتح جهان سوم و به ضرر امپریالیسم آمریکا تغییر پیدا میکند. امروز خلقها با مبارزات خودشان ماهیت ببرکاذبی بودن امپریالیسم را نمایان میکنند. و بحق فریاد بر می آورند که: آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند. بررسی کوتاه تاریخچه صعود و نزول امپریالیسم آمریکا نشان دهنده صحت این شعار است. بعد از جنگ دوم جهانی، آمریکا برای بدست آوردن سر

در سالهای اخیر بارشده جنبشهای آزادیبخش خلقها و ملل متحد دیده جهان ابر قدرت آمریکا دچار مشکلات بسیاری شده و کشورهای جهان سوم که تحت سلطه آمریکا بوده اند، با استقلال خود را بدست آورده اند و برای بدست آوردن آن مبارزه میکنند، کشورهای جهان دوم نیز در مقابل فشارهای آمریکا مقاومت میکنند و به همکاری با جهان سوم روی آورده اند. با گذشت هر روز تناسب

کردگی بر جهان به تنها جم علیه خلقها و کشورهای جهان سوم و حتی کشورهای امپریالیستی دیگر (اروپا و ژاپن) پرداخت و با بریزر کشیده شدن انگلیس از مقام "آقای جهان" به امپریالیست برتر تبدیل شده و به این ترتیب سالها به غارت مستعمرات، سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی نواستعماری و... پرداخت و امپراطوری وسیع خود را بر روی اجساد میلیونها

نفر از مردم زحمتکش جهان برپا ساخت. اما تاریخ نشان داده که امپریالیستها همیشه در قدرت نمیمانند، قدرت آنها ظاهری و کوتاه مدت است. تضادهای مختلف موجود درونی و بیرونی هر آن امپریالیستها را تهدید کرده و بالاخره از پای در میآورد. آمریکا نیز همانند اسلاف خود (انگلیس، فرانسه، آلمان) از این قاعده مستثنی نشده

بقیه در صفحه ۵

نقشه استراتژیک شوروی برای سلطه بر جهان در صفحه ۲

جهان دوم و ابر قدرت ها در باره روابط ژاپن و آمریکا در صفحه ۴

راديو بغداد نوا رهای انقلابيون عليه شاه مخلوع را پخش میکند

## حیله پیشرمانه رادیو عراق

و پخش میکنند. این نشانه ورشکستگی کامل دار و دسته صدام حسین و رژیم بعث عراق است. من عباس صابری از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۳ از طریق رادیو بغداد با نوشتن و ترجمه کردن و قرائت مقالات و اشعار انقلابی بافشای رژیم فاشیستی و دست نشانده محمد رضا مخلوع مشغول بودم. بدنبال اعلام حزب رستاخیز فاشیستی محمد رضا و پیام تاریخی و مهمی که امام خمینی بلافاصله خطاب به مردم ایران ارسال داشتند و همه را دعوت به مقاومت و مبارزه در برابر فاشیسم شاهنشاهی نمودند آخرین مقالات خود را علیه

اخیرا رادیو بغداد در ادامه حملات نا جوانمردانه اش بر علیه انقلاب اسلامی ایران به حیله پیشرمانه ای متوسل شده که رفیق عباس صابری عضو رهبری حزب رنجبران ایران طی اطلاعیه ای بافشاء آن پرداخته است. متن اطلاعیه باین قرار است:

" هموطنان مبارز رادیو بغداد حملات پیشرمانه و نا جوانمردانه اش را علیه جمهوری اسلامی نوپای کشورمان ادامه میدهد. آنها کار حقه بازی و دغل کاری را تا آنجا رسانده اند که نوارهای شعر مرا از آرشیوهای رادیو بغداد بیرون آورده

بقیه در صفحه ۳

# تحریم المپیک روسی : مردم ما تزلزل ندارند

برخی از گروه‌های سیاسی ملی‌گرا نیز معتقدند که تنها بر خودشان آشکارا راست، علیه تحریم موضع گرفتند و حتی برخی از مسئولین امور اعتراف کردند که در چار تزلزل اند و امروزه صحبت طرح کردن دوباره مسئله در شورای انقلاب بیان آمده است.

از مزدوران روس در ایران توقعی نمیتوان داشت جز پیش بردن منافع ارباب شمالی و این آقایان عاشق روسیه و سوسیالیست نما آنقدر در تعریف و تمجید از المپیک پیش رفتند که این گروه هم‌آئی اساساً تبلیغاتش را که در خدمت پوشاندن چهره تجاوزکار سوسیال امپریالیسم میباشند قلمب ما هیت کرده اند تا ما را به این دام بیا نندازند.

اما توده‌های وسیع خلق های میهن ما نمیخواهند تا در این نمایش تجا و زگران روسی وقصایان خلق افغانستان شرکت کنند. موضع مردم کاملاً محقق شده است، آنها میگویند ما بخاطر افشاء و اعتساف و محکومیت سوسیالیست‌ها امپریالیستهای روسی، بخاطر محکوم کردن کشتار خلقهای برادر افغانستان بوسیله ارتش روسیه در این المپیک شرکت نمیکند چرا که نمیتوانیم در زمانیکه خلقهای برادرمان زیر چرخ تانکهای ابرقدرت شرق شهید میشوند ما خودمان را به ابزار تبلیغاتی قصابان آنها بدل کنیم.

عدم شرکت ایران در این نمایش روسی اهمیت دیگری هم دارد آن از جانب مبارزه با تعرض جهانی روسیه، مبارزه با تجا و زگری او و متوقف کردن این خرس قطبی خونخوار است هرچقدر

هرچقدر که ملل جهان سوم بیشتر بقیه در صفحه ۶

پس از تحریم المپیک مسکوا از طرف شورای انقلاب، عا ملین ابرقدرت روسیه، و در راس آنها با نده کیانوری در حزب توده، کارزار وسیعی را علیه تصمیم شورای انقلاب و برای لغو آن برآنداختند و صفحات روس نام "مردم بیک باره پراز اخبار ورزشی و در مدح و ثنای "جنبش المپیک" شد.

پس از تحریم المپیک مسکوا از طرف شورای انقلاب، عا ملین ابرقدرت روسیه، و در راس آنها با نده کیانوری در حزب توده، کارزار وسیعی را علیه تصمیم شورای انقلاب و برای لغو آن برآنداختند و صفحات روس نام "مردم بیک باره پراز اخبار ورزشی و در مدح و ثنای "جنبش المپیک" شد.

پس از تحریم المپیک مسکوا از طرف شورای انقلاب، عا ملین ابرقدرت روسیه، و در راس آنها با نده کیانوری در حزب توده، کارزار وسیعی را علیه تصمیم شورای انقلاب و برای لغو آن برآنداختند و صفحات روس نام "مردم بیک باره پراز اخبار ورزشی و در مدح و ثنای "جنبش المپیک" شد.

بقیه در صفحه ۲

عنوان یک وظیفه مبرم و مرکزی جامعه در دستور قرار ده شد. نوسازی اقتصاد جامعه چنانچه بر اساس مشی صحیح انقلابی جلو رود هم میتواند به استقلال سیاسی کمک کند و هم به بهبود وضع زحمتکشان منجر گردد. در مبارزات طبقاتی جاری میان قدرتمندان و توده‌ی زحمتکش میان سرمایه‌داران و زحمتکشان و میان مالکان ارضی و توده‌ی دهقان، حزب باید بطور استوار و بدون هیچگونه تزلزلی در طرف زحمتکشان بایستد و بر اساس مشی حق داشتن، سود جستن و حدنگهداشتن ایستادن مبارزات را هدایت نماید، "عدالت اجتماعی به معنی سمت دادن تولید و اقتصاد جامعه بسود زحمتکشان و خدمت کردن به آنها بعنوان نیروی عمده‌ی محرکه انقلاب و حافظ استقلال".

(از اطلاعات و لین‌نشست کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران) مسئله نان، مسکن، بهداشت و آموزش اکثریت عظیم مردم نه تنها حل نشده بلکه در یک مرحله بسیار ابتدایی قرار دارد - قدم برداشتن در این راه یک وظیفه‌ی مبرم و فوری انقلاب است. بدون اینکار امکان بسیج توده وسیع خلق، ایجاد شور و شوق برای ادامه‌ی دفاع از استقلال سیاسی هر روز مشکل تر خواهد شد.

از دیدگاه ما انقلاب کردن در آخرین تحلیل بایده بهبود بقیه در صفحه ۵

## درباره جبهه متحد خلق باند کیانوری

# کارنامه جبهه سازی رهبری حزب توده سپاه است

متفاوتی بوده در خدمت هدف اصلی این مزدوران یعنی خدمت با امپریالیسم روسیه برای نفوذ و سلطه بر ایران. سیاست "جبهه متحد" امروز باند کیانوری نیز ادامه همان توطئه‌ها و یک نوع زمینه سازی برای کودتا، دخالت و تجاوز روسیه است.

مرور کوتاهی بر کارنامه ننگین سران حزب توده در جبهه سازی در خدمت روسیه حقایق بسیاری را در مورد اهداف پلید این دار و دسته نوکر بیگانه آشکار میکند.

تلاش روسها و کمیته مرکزی حزب توده برای جلب شاه در دهه ۱۳۴۰ که بنا بر شرایط، دوران سیاستهای "مسالمت آمیز" خروشچف برای نفوذ در کشورهای جهان سوم بود، یعنی سالهای سفرهای شاه به مسکو و اروپای شرقی و بستن قرارداد های گوناگون اقتصادی، خرید اسلحه، ذوب آهن، فروش گاز و ... کمیته مرکزی حزب توده صحبت از اقدامات "مثبت و ترقی خواهانه" شاه میکند و به تعریف و تمجید از "انقلاب سفید" و تأثیر مثبت آن در سیاست خارجی رژیم شاه میپردازد. در این سال ها در نشریات کمیته مرکزی حزب توده

در یک سال اخیر باند کیانوری هر وقت فرصت را مناسب دید، به تبلیغ تاکتیک خائنه اخیر خود، ایجاد باصطلاح "جبهه متحد خلق"، پرداخته و تلاش کرده است تا با جلب و تشویق چپ‌نماها و انقلابی‌نماهای مسلمان و بهره برداری از انحرافات موجود در برخی نیروهای اسلامی و ملی همه را حداقل در عمل در "جبهه متحد" خود بسیج نماید و خط سیاسی معینی را در خدمت به اربابان کرملین به پیش برد. بخصوص اینروزها با متمرکز شدن مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا باند کیانوری مانند زمان اشغال جاسوسخانه، مجدداً به جنب و جوش افتاده و با فریاد شوم جبهه متحد روسی مغرضین و منحرفین را دعوت به همسوئی میکند.

سران خائن حزب توده در همین دو دهه اخیر سابقه ننگینی در پیشنهاد دادن برای ایجاد انواع جبهه ها دارند، از جلب شاه خائن و سپس همکاری با تیمور بختیار جلااد ساواک گرفته، تا "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" با جلب حمایت جناح‌هایی از هیات حاکمه رژیم شاه و بالاخره "جبهه متحد" امروز، همه این جبهه سازی‌ها، تاکتیک های

ما در گذشته نقطه نظرات حزب رنجبران ایران را در مورد ارتش و نوسازی آن تشریح کرده ایم و در اینجا بمناسبت روز ارتش نکات اساسی نظرات خود را بصورت فشرده متذکر میشویم:

۱ - وظیفه مرکزی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور در مقابل تحریکات، توطئه‌ها و دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم دشمنان خارجی انقلاب است. یعنی دفاع از مرزها و بهمین جهت ارتش اساساً "با بدو" به خارج داشته باشد و وظیفه مقابل با قدرتهای امپریالیستی بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه را دارد.

۲ - مردم خواهان ارتشی ملی و مردمی هستند. ملی یعنی پاسدار منافع کشور و ملت و مردمی یعنی در خدمت مردم و در پیوند فشرده با آن. مردم هرگونه ارتش وابسته و ضد مردمی را رد میکنند و در مقابل آن میایستند.

۳ - انقلاب و مردم ما خواهان ارتشی قوی هستند و با وه سرائی‌های چپ‌نماها و مسلمان‌نماها را که تلاش در تضعیف ارتش تحت پوشش شعارهای فریبنده دارند را طرد میکنند. ارتش باید از نظر تسلیحات، روحیه وحدت و آمادگی رزمی قوی و توانا باشد و این بسود استقلال میهن ماست.

۴ - سیاست حاکم بر ارتش باید سیاست "نه شرقی - نه غربی" باشد. تمامی پرسنل ارتش باید در پرتو این سیاست و شناخت مبارزه با دوا بر قدرت آمریکا و روسیه آموزش یابند. تسلیحات ارتش قدم بقدم از غرب مستقل گردد و به شرق نگراید. و در عوض به تولید ملی، به فرهنگ و بومردم خود مان تکیه داشته باشد. مزدوران دوا بر قدرت با پیداز ارتش تصفیه شوند و خطوط سازشکارانه با شرق و غرب مورداصلاح قرار گیرند.

۵ - در رابطه با داخل کشور وظیفه ارتش خنثی نمودن توطئه‌های دوا بر قدرت است و نه سرکوب خلق. ارتش به هیچ وجه نباید در مقابل خلق و جنبش‌های محققانه ملیت‌ساز، مطالبات زحمتکشان و ... قرار گیرد و با پیدایش انحرافی سوء استفاده از ارتش، برای حل مسایل سیاسی داخلی شدیداً مبارزه کرد.

۶ - نظام داخلی ارتش باید هم مرکزیت داشته باشد و هم دمکراسی. سلسله مراتب و انضباط آگاهانه اجرا شود و این انضباط بر اساس دمکراسی وسیع در میان پرسنل ارتش باشد و با آموزش سیاسی علیه سیاستهای ابرقدرتها جلوسوی سوء استفاده عوامل آنها از این دمکراسی گرفته شود.

۷ - ارتش باید دارای سیستم اطلاعاتی درونی باشد عوامل جاسوس دوا بر قدرت باشد اما وظایف این سیستم باید مطلقاً محدود به شناختن و سرکوب جاسوسان امپریالیست‌ها بوده و نباید به هیچ وجه به دستگای برای سرکوب نظرات درون خلقی پرسنل میهن دوست تبدیل شود.

۸ - ارتش باید نهادی ملی بوده و در آن انحصار طلبی وجود نداشته باشد. از یکسویا یید روحیه وحدت با جمهوری اسلامی و روحانیت مبارز استقلال طلب و اسلام مبارز در آن موجود باشد و از سوی دیگر با اخلاص عوامل انحصار طلب و گروه‌گرا که میخواهند از ارتش بمثابه ابزار منافع گروهی خود سوء استفاده کنند، مبارزه کند.

۹ - معیار وحدت درونی ارتش باید سیاسی، یعنی میهن دوستی و مرزبندی با دوا بر قدرت آمریکا و روسیه باشد و نه ایدئولوژیک. تعیین ایدئولوژی بمثابه معیار وحدت ارتش تنها به ایجاد تفرقه و تضعیف ارتش میانجامد.

۱۰ - ارتش همانند نهاد های دولتی با پیدای بوروکراسی در درون خود مبارزه کند و از طرف دیگر با پدید آمدن تضاد انقلابی انحلال ارتش مقامت نماید.

۱۱ - وظیفه عمده ارتش جنگیدن است، اما در عین حال ارتش بایده تولید ملی هم خدمت کند و پرسنل آن بسا بقیه در صفحه ۵

# رنجبر و خوانندگان

و حزب رنجبران و حزب رنجبران وابسته به چین است و من با آنها به مبارزه بر می خیزم و میگویم این حزب رنجبران متکی به نیروی خلقهاست مثل حزب توده نیست که جای مجانی بدهد و هر چه سوی مردم می رود و نقشه میریزد آبرویش می رود و جایی در میان مردم ندارد . من به عنوان یک بانوی ایرانی طرفدار استقلال ایران ، به حزب توده میگویم دیگر جایی برای شما و مزدوران کثیف امریالیسم روس در ایران عزیز مانیت زیرا حزب توده و بعضی از سازمانهای به اصطلاح طرفداران طبقه کارگر که امریالیسم روسیه را دشمن ایران نمی دانند حتما " منتظر هستند که ایران عزیز ما همانند کشور برادرمان افغانستان به زیر چکمه پونهای روسی له شود . آن وقت متوجه میشوند که امریالیسم روس هم دشمن انقلاب ایران و تمام مردم ستمدیده جهان است .

زنده باد حزب رنجبران ایران  
مرگ بردوا بر قدرت امریکای روسیه  
مرگ بر حزب توده نوکر روسیه  
۵۸/۱۲/۱  
آبادان ف . ک .

دارند ، و کلیه کسانی که انحرافات سیاسی شان آنان را روی خط سیاسی روس ها می اندازد . و این است همان " جنبه متحد "ی که باند کیانوری تبلیغ می کند . در این مورد ما نیازی نمی بینیم مستقیما نقل قول بیاوریم . تمام روس نامه های " مردم " در همین یکسال اخیر به روشنی توضیح می دهد کدام نیرو ها که به اصطلاح " مترقی " و " ضد امریالیست " هستند و نظر مخالفی نسبت به " اردوگاه سوسیالیسم " ندارند و غیره می - توانند در این جنبه کیانوری شرکت کنند . روس نامه مردم برخی از همین نیروهای چپ نما و یا مسلمان نمای به اصطلاح " مترقی " و " ضد امریالیست " هستند و نظر مخالفی نسبت به " اردوگاه سوسیالیسم " ندارند و غیره می - توانند در این جنبه کیانوری شرکت کنند . روس نامه مردم برخی از همین نیروهای چپ نما و یا مسلمان نمای به اصطلاح " مترقی " و " ضد امریالیست " هستند و نظر مخالفی نسبت به " اردوگاه سوسیالیسم " ندارند و غیره می -

دورد به هیئت تحریریه و تمام کارکنان رنجبر  
ضمن عرض تبریک به حزب رنجبران ایران که هدفش خدمت به طبقه زحمتکش و منافع زحمتکش است و برای رهایی از سلطه ابرقدرتهای شرق و غرب مبارزه کرده و با دادن شهادتی چون خسرو صفایی و بشیر خسروی و واعظ زاده توانسته است این درخت پرافتخار ضد استبدادی و ضد مردمی را آبیاری کند و به مبارزاتش ادامه دهد ، من موفقیت حزب رنجبران را آرزو دارم .  
من بانویی هستم ۲۷ ساله و طرفدار حزب رنجبران هستم و اعتقاد دارم که حزب رنجبران خط مشی سیاسی آن مطابق با واقعیات جامعه و انقلاب ایران می باشد و بدرستی از تجربیات هفتاد سال مبارزه بی آمان خلق ایران جمع بندی کرد و مدافع سه نیروی سیاسی اسلام مبارز - ملی گرای مترقی و سوسیالیسم انقلابی است .  
و وحدت این سه نیرو برای ادامه انقلاب لازم است در برخی موارد من در باره حزب با زبان بخت میگویم ، از طرف عناصری که واقعا " نسبت به امریالیسم روس نوکران سرسپرده "ی چون کیانوری

کیانوری بارها اشاره کرد ، " جنبه واحد ضد دیکتاتوری " برای " جلب گروههایی از طبقات حاکمه " ( دنیا سال دوم دوره سوم ، شماره ۷ ) و یا آنچه است " در سرنگونی رژیم کنونی دینفع هستند " و " همکاری با بخشی از بورژوازی بزرگ ایران ( کیانوری - محله مسائل بین الملل شماره ۷۹ ) ساخته و پرداخته شده بود تا با جلب بخشی از بوروکراتها ، زرنالها ، تکنوگراتها ، و سرمایه داران و زمینداران بزرگ به سمت اتحاد به روسیه ، قدم اول را برای ایجاد حکومت دیکتاتوری وابسته به روسیه بر دارند .  
قابل توجه است که در سال ۱۳۵۳ در بسیاری از کشورها ، از جمله در امریکای لاتین ، احزاب وابسته به روس جلوساتی گذاشته و راجع به همین موضوع یعنی ایجاد " جنبه های وسیع ضد دیکتاتوری " در خدمت ارباب بخت و تبادل نظر کردند . ( محله مسائل بین المللی شماره ۳ ، سال ۱۳۵۳ ) ،  
اب نهار دهنده ساست عصم

و نوکر جیره خوار هم تغییر سیاست میدهد .  
ابتدا روسیه و کمیته مرکزی حزب توده دوراه را به رژیم شاه نشان میدهند . یا بطرف آمریکا و یا به سمت روسیه .  
" حزب توده ایران بموقع و به درستی دو گرایش مثبت و منفی را در صحنه سیاست جهانی تشخیص داده و رژیم را در برابر انتخاب بین این دو گرایش قرار داد ... " .  
و در ضمن هشدار داد که اگر رژیم در مقابل تهاجم روسیه " راه مثبت " یعنی بطرف روسیه را انتخاب نکند ...  
" مقتضیات و نیازمندیهای مردم عصر ما به کسانی که نخواهند آن را درک کنند ، درسهای عبرت انگیز خواهد داد . " ( " مردم " تیرماه ۱۳۵۱ )  
" جنبه واحد ضد دیکتاتوری "

بالاخره شاه " سر عقل " نامد و از این به بعد کمیته مرکزی حزب توده به تبعیت از سیاست ارباب که دیگر خواهان سلطه سریع و یا کودتا از نوع افغانستان ، یمن جنوبی و ... بود ، از اوائل سال ۱۳۵۳ با این نتایج رسید که رژیم شاه وابسته به امریالیسم و

دیکتاتور است ! و باید " دیکتاتوری " و یا " حکومت مطلقه " سر نگون شود البته هنوز معتقد بودند که " سلطنت مشروطه " می تواند باقی بماند ( دنیا بهمن ۵۳ و دنیا شماره ۵ مرداد ۵۴ گزارش پلنوم پانزده )  
کمیته مرکزی حزب توده فقط مخالف دیکتاتوری شاه است و می - خواهد در قدم اول رژیمی بر سر کار بیاورد که برای مقاصد نفوذ ، کودتا و سلطه روسیه مناسب باشد ، لذا برای این منظور کمیته مرکزی حزب توده اعلام می کند که مایل است " جنبه واحد ضد دیکتاتوری " را با " جناح - های سالمتر و واقع بین تر " حیات حاکمه بسازد . آنها در این باره می - نویسند :  
" عناصری از سرمایه داری بزرگ ایران با سیاست غارت و چپاول گردانندگان رژیم دیکتاتوری کنونی موافقت ندارند ...  
آن عناصر دوز بین تر هیات حاکمه که سمت گیری قانونمدانه تحولات کنونی جهان و تغییر روز افزون تناسب

در باره جنبه متحد خلق  
کردن کشور بدست آمده و ...  
تغییر تناسب قوا در عرصه جهانی از یکطرف و ترکیب جدید طبقاتی در ایران و نتایج ناشی از آن از طرف دیگر ، انعکاس روشن خود را در سیاست خارجی رژیم شاه نشان میدهد . تا سال ۶۱ - ۱۹۶۰ این سیاست خارجی متجانس و یکجانبه بود ، از زمانی که رزمها در ایران به اجرا درآمد ، این سیاست بتدریج در جهت همه جانبه شدن سیر نمود ...  
سیاست دولت ایران در ارتباط با تجاوزات بین المللی امریالیستی ( در خاور میانه ، در ویتنام ، ... ) بطور نسبی مثبت است .  
( مصاحبه نشریه " فاسیت " وابسته به حزب رویزیونیست آلمان - غربی با عضو کمیته مرکزی حزب توده فروردین ۱۳۵۱ )  
کمیته مرکزی حزب توده در این سالها فقط یک آرزو دارد که اجازه فعالیت علنی از شاه بگیرد و برای اثبات وفاداری خود به سلطنت وقتی که رژیم به او " تهمت میزند " که کمونیست و ضد سلطنت است می نویسد :  
" در کدام دادگاه ثابت شده است که مرام یا رویه حزب توده ایران با مقررات قانون ۱۳۱۰ انطباق دارد یعنی با اصطلاح قانون ۱۳۱۰ ، مرام و رویه اش اشتراکی است و یا ضد سلطنت مشروطه ایرانیست ؟ ( ما همانم " مردم " شماره ۶۱ ، تیر ماه ۱۳۴۹ ) .  
به این ترتیب در شرایط اسیدواری روسیه به جلب شاه ، سران حزب توده برای ساختن جنبه متحد با رژیم سلطنتی در منطقه تلاش میکرد .  
جلب همکاری تیمور بختیار جلاد ساواک

در این سالها کمیته مرکزی حزب توده در عین جلب محبت شاه ، از جنبه متحد ساختن با دیگران هم غافل نمی ماند و هنگامی که شاه با بختیار رئیس ساواک بخاطر قصد کودتا و یا چیز دیگر اختلاف پیدا می کند و از ایران خارج میشود ، سران حزب توده در بغداد با او تماس میگیرند و امکانات همکاری های آینده را بررسی میکنند . وقتی که یکی از سازمان های تشکیل دهنده حزب رنجبران این ملاقات را در آن زمان افشاء نمود ، کمیته مرکزی سعی کرد حاشا کند . تا



## فالاثریست کیست ، کتاب فروش یا کتاب پاره کن

شیراز - ۲۳ فروردین - اکثر گروههای سیاسی به اصطلاح مارکسیست - لنینیست مرکب از سازمان چریکها - پیکار - توفان راه کارگر - کارگران سوسیالیست و غیره اتحادیه ای بنام اتحادیه صنف کتاب فروشان را در شیراز تشکیل داده اند که هدف از تشکیل این اتحادیه جلوگیری از حمله " فالاثریست " به کتابهای آنها میباشد .

روز ۲۳ فروردین از طرف شهریارانی تمام کتابفروشی ها را از جلوی فروشگاه شهر و روستا جمع کرده و به آن طرف فلکه انتقال دادند . در این رابطه یکی از هواداران حزب رنجبران ایران در شیراز مینویسد : " بعد از ظهر همان روز مطابق معمول من هم جهت کتابفروشی به فلکه شتا در فتم وقتیکه کتابها را روی زمین پهن کردم عده ای از همین آقایان به اصطلاح مارکسیست دور من جمع شدند و گفتند شما حق ندارید در این محل کتاب بفروشید زیرا وقتیکه ارتجاع کتابهای ما را پاره میگذرد ما را کتک میزد شما نبودید و اتحادیه هم تصمیم گرفته که شما اینجا کتاب نگذارید . من در جواب آنها گفتم من این اتحادیه را قبول ندارم زیرا -  
روزیونیستها و تروتسکیستها آنرا تشکیل داده اند . آیا شما همه ضدا مپریالیست و ضدا ارتجاع هستید ؟ شما که آنقدر دم از دمکراسی میزنید و ادعا دارید که دولت جلوی آزادی فعالیت گروههای سیاسی را میگیرید و گاهی هم شرایط را فاشیستی میدانید و مسئله استقلال را هیچگاه نه مطرح کرده اید و یا اگر هم مطرح میکنید در خرف بوده ، چطور به خودتان اجازه میدهید که جلوی کتاب فروختن مرا بگیرید ؟ شما که ادعا میکنید ارتجاع بوسیله فالاثریستها کتابهای شما را پاره میکنند شما که خودتان را سیاسی میدانید مرا تهدید میکنید که کتابهایت را در جوی آب میریزیم ، بنظر شما فالاثریست واقعی کیست ؟

آنها بعد از بحث و جدل فراوان نتوانستند جلوی کتاب فروختن مرا بگیرند و به آنها گفتم اگر کسی خواست کتابهای شما را پاره کند سعی میکنم با منطق به وی نشان دهم که اگر کتابهای این گروهها را پاره کنید حرفهای ناحق آنها حقانیت پیدا خواهد کرد .

آقای وزیر  
مگر المپیک مسکو تحریم

# نشده است

شیراز - ۲۳ فروردین - بنا به گفته یکی از آموزگاران جنوب شهر شیراز، روز ۲۳ فروردین بخشنا مه ای از طرف آموزش و پرورش کل به مدارس و دبیرستانها ابلاغ شده که مدیران مدارس، معلمان ورزشی را که مایل هستند به المپیک مسکوبروند معرفی کنند تا ترتیب سفرشان داده شود. این معلم میگفت "ایستادگان ما سه روز بعد از تصمیم شورای انقلاب مبنی بر تحریم بازیهای المپیک صادر میشود. و از طرف دیگر اگر این بخشنا مه از طرف وزیر نبود یک چیزی - آیا آقای وزیر خبر ندارند که این بازیها تحریم شده است؟ شاید خودشان هم مایل به تحریم نبوده اند که این بخشنا مه را صادر کرده اند."

وضع اداره آموزش و پرورش شیراز بنا به گفته معلمان آنجا نابسامان است. رعب و وحشت عجیبی در تمام مدارس حاکم است به مدارس خیرچین فرستاده میشود و تفتیش عقاید میکنند. کسانی که دو سال سابقه کار دارند هر آن منتظرند تا حکم اخراج بدستشان برسد. یکی از معلمان میگفت: "بخاطر مشکلاتی که داشتیم به اداره آموزش و پرورش مراجعه کردم، مسئولین امور بمن گفتند که اگر دفعه دیگری با حکم ضدا انقلاب و کمکاری اخراج خواهی شد من هم برگشتم و با ترس به سرکار خود برگشتم." در اداره آموزش و پرورش شیراز برخی از مسئولین اجرائی انحصار طلبی را به حد اعلا خود رسانده اند و معلمان و دانش آموزان را اخراج میکنند.

## راهپیمائی مردم شیراز بر علیه

## امپریالیسم آمریکا

شیراز - ۲۲ فروردین - به دنبال قطع رابطه با آمریکا مردم شیراز دست به یک راهپیمائی عظیم زدند. در این راهپیمائی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر شرکت داشتند و نظم این راهپیمائی را نیز عمدتاً خود مردم بر عهده داشتند. قبل از شروع راهپیمائی در صحن احمدابن موسی یکی از روحانیون شیراز سخنرانی کرد. شمارهایی که در این راهپیمائی داده شد بدین قرار بود:

"وای اگر خمینی حکم جهاد مدهد - صدام - کار ترکی تواند که جواب مدهند. عراقی ایرانی پیوندتان پیروز است - صدام - کار تر نیرنگتان نابود است. رهبری خمینی اساس وحدت ماست - آمریکا آمریکا دشمن خونخوار ماست. وحدت، وحدت، وحدت، وحدت ضامن پیروزی ماست."

### توضیح و تصحیح

در شماره ۴۰ رنجبر، مقاله مربوط به تحریم المپیک، جمله "ما از این موضع راستین شورای انقلاب استقبال نموده"، اشتباهی بصورت استفاده نموده" چاپ شده است.

در شماره ۳۷ رنجبر، بخش گزارشات شهرستانها، خبری راجع به "راهپیمائی مردم بروجرد، استاها به صورت راهپیمائی مردم حرم آباد" چاپ شده است.

بدین وسیله این استباهات را تصحیح میکنیم و ار خوانندگان بوش می-ظلم

### رنجبر

#### ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر فرامرزی

مدیر مسئول - علی حجت نشانی - خیابان انقلاب جنب سینما روبال خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷ نشانی پستی - تهران صندوق پستی ۳۱۴ - ۱۴۰۱ تلفن ۸۴۰۶۹۱ چاپ سکه

منطقه پستی ۱۵

کمیته مرکزی سعی کرد حاشا کند. تا بالاخره بعد از آنکه ثابتی مرد شماره ۲ ساواک تماس عباس شهریاری، مرد هزار چهره ساواک و همکار نزدیک رادمنش دبیر اول کمیته مرکزی را هم با بختیار فاش ساخت، کمیته مرکزی حزب توده سعی کرد قضیه را به طرز دیگری منتفی کند و در پلنوم چهارده خود با کنار گذاشتن رادمنش و با یک توضیح مذبحانه، کوشید ننگ را بپوشاند.

سران حزب توده بعدها هم جلب همکاری جناحهایی از هیات حاکمه شاه را ادامه دادند.

در دهه ۱۳۵۰ رشد امپریالیستی روسیه و تغییر سیاست آنان از "همزیستی" به سلطه جوئی به همراه تکامل نظام سوسیال - امپریالیستی در روسیه دیگر سیاستهای "مسالمت آمیز" تکیه گاه اصلی برای سلطه بر کشورها نبود و تهاجم، دخالت و کودتا در دستور کار کرملین قرار گرفت. رژیم شاه نیز نشان داد که بسختی به امپریالیسم آمریکا وفادار است و بیش از این به روسیه روی خوش نشان نمی دهد. بناچار تغییر سیاست روسیه آغاز میشود

کنونی جهان و تغییر روز افزون تناسب نیروها را به سود سوسیالیسم و خلق - ها و به زیان امپریالیسم و ارتجاع می بینند، ادامه حاکمیت رژیم دیکتاتوری کنونی را خطر جدی برای آینده سرمایه داری ایران میدانند. (دنیای بهمین ۱۳۵۴)

سیاست سران حزب توده در این سالها عبارتست از دعوت همین "جناحهای دور بین بورژوازی بزرگ" و "بخش هایی از هیات حاکمه" که نوکران کرملین را نقش بر آب کرد. اما سیاست تهاجمی روسیه برای سلطه بر کشور ما همچنان باقی می ماند و تعرض آن شدت می یابد. لذا مزدوران تاکتیک جدیدی را برای خدمت به اهداف سلطه جویانه و توسعه طلبانه ارباب ایجاد می کنند:

**ایجاد "جبهه متحد خلق"**

ایجاد "جبهه متحد خلق" ادامه همان سیاست های جبهه سازی گذشته سران حزب توده است و تاکتیک جدیدی است برای خدمت به همان سیاست. در شرایط کنونی جامعه ما آنچه که روسیه نیاز دارد عبارتست از متحد کردن همه نیروهایی که طرفدار روسیه هستند و یا بتوعی در برابر آن تزلزل

## بحران سرمایه داری و غارت جهان سوم

### امپریالیسم و بخصوص دو ابر قدرت فشار بحران

### را به دوش کشورهای زیر سلطه میاندازند

### دو ابر قدرت هر دقیقه ۵۰۰ هزار دلار صرف

### هزینه های نظامی می کنند

بحران جهانی سرمایه داری همچنان سیر صعودی خود را ادامه می دهد. هر چه این بحران جهانی دامنه اش گسترده تر میشود و عمق شود بیشتری می یابد، فشار ناشی از سلطه انحصارات بین المللی بر زحمتکشان جهان و به ویژه مردم ستمدیده جهان سوم هر دم شدیدتر می شود و در عین حال عظیم ترین و قدرتمندترین انحصارات و فرمانروایان سرمایه مالی به قیمت فقر و خانه خرابی اکثریت مردم جهان و ورشکستگی سرمایه داران کوچکتر، مداوما ثروتمندتر می شوند. برای مثال در حالی که سال گذشته مردم جهان مرتباً با افزایش بهای هزینه زندگی روبرو بودند، کشورهای سلطه جویان ۵۰۰ میلیارد دلار هزینه سلحشائی داشتند که سراسر نمی آید

آن تنها هزینه نظامی دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه را تشکیل دادند. ۲۰ شرکت بزرگ نفتی آمریکا در سال گذشته درآمد خالصشان ۷۲ در صد افزایش یافت.

ابر قدرت امپریالیستی آمریکا که آسیانه بزرگترین و قدرتمندترین سرمایه داران غرب است در سال گذشته با نرخ تورمی معادل ۱۳/۳ در صد روبرو بود. نرخ که در ۳۳ سال گذشته سابقه نداشته است. در سال جاری یعنی ۱۹۸۰ در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر به صوف بیکاران اضافه خواهند شد و این به خاطر کندی فعالیت های اقتصادی ناشی از عمیقتر شدن بحران جهانی سرمایه داری است.

بانک جهانی در گزارش مربوط

و این نشان دهنده سیاست عمومی روسیه و تبعیت عمومی نوکران آنها از چنین سیاستی در این سالهاست.

**"جبهه متحد خلق" تاکتیک جدید در شرایط جدید**

اوج گیری انقلاب اسلامی و خواست برجیدن نظام سلطنت و ایجاد جمهوری اسلامی نه شرقی، نه غربی، آرزوهای "جبهه سازی باصطلاح" ضد دیکتاتوری نوکران کرملین را نقش بر آب کرد. اما سیاست تهاجمی روسیه برای سلطه بر کشور ما همچنان باقی می ماند و تعرض آن شدت می یابد. لذا مزدوران تاکتیک جدیدی را برای خدمت به اهداف سلطه جویانه و توسعه طلبانه ارباب ایجاد می کنند:

**ایجاد "جبهه متحد خلق"**

ایجاد "جبهه متحد خلق" ادامه همان سیاست های جبهه سازی گذشته سران حزب توده است و تاکتیک جدیدی است برای خدمت به همان سیاست. در شرایط کنونی جامعه ما آنچه که روسیه نیاز دارد عبارتست از متحد کردن همه نیروهایی که طرفدار روسیه هستند و یا بتوعی در برابر آن تزلزل

گرسنگی، فقر و خانه خرابی میروند که دو ابر قدرت آمریکا و روسیه هر دقیقه بیش از نیم میلیون دلار صرف هزینه های نظامی می کنند و این رقم مرتباً افزایش می یابد.

افزایش فشار زندگی فقط مخصوص کشورهای جهان سوم نیست، مردم انگلستان در سال گذشته شاهد ۱۷/۵ درصد افزایش بهای کالاها اساسی مورد نیازشان بودند. در سال جاری تورم در انگلستان به بیش از ۲۰ در صد خواهد رسید. مردم ژاپن و ایتالیا نیز در سال گذشته شاهد گرانی بیش از ۲۳ در صد بودند مردم اسپانیا ۱۵/۶ در صد افزایش بهای کالاها را تحمل کردند.

بیکاری، گرانی و تورم ناشی از بحران امپریالیستی ذاتی این سیستم بوده و تا وقتی امپریالیست ها هستند و تا وقتی دو ابر قدرت دیوانه وار برای سلطه جویی و سرکردگی بر جهان بیکدیگر رقابت میکنند این روند صعودی ادامه خواهد یافت. تنها مبارزه قاطع و متحد علیه سلطه طلبی و تهدید و تجاوز دو ابر قدرت و مبارزه به خاطر استقلال و جداسدن از حیطه نفوذ و سلطه امپریالیسم می-توان و باید به مقابله با اثرات ناشی از بحران سرمایه داری بر خلق های ستمدیده جهان سوم رفت.

# گزارش فروش رنجبرو...

داسم رنجبر مغروخم که ۴ مرفرآمد. یکی از آنها یک رنجبر کرف و رف کفم بفسفد آفا اگر مسه یک نومان آرا بدهفد. دوستش کف من مفدهم. چهار نفری دورم جمع سفد و سئوالاتی راجع به رنجبر و مطالب آن کردهد. کفم که رنجبر در نورد اوضاع ایران، مبارزه علیه دو افر قدرت، باند کفانوری و اشغال افغانستان توسط روس ها، اوضاع جهان و... تا اسم افغانستان را آوردم آنها خوشحال روی رنجبرها خم سفند و دنباله کلمه افغانستان گشتند، یکی از آنها کفم: "خواهر لطفا مطلب راجع به افغانستان را

روز پنجنشبه داشتم "رنجبر" میفروختم که متوجه سفم سه پفر زن به رنجبر نگاه میکنند و با هم حرف میزنند. وقتی نزدیکتر سفیدند خانبی که پفر تراز همه بود کفم: "این چه؟" کفم: "روزنامه رنجبر ارگان حزب رنجبران ایران است." پرسفد: "اون تفر بزرگه چه نوشته؟" کفم: "در مورد خط امام که نه شرقی نه غربی است و اینکه مواظب باشم حالا که آمریکا را بیرون کرده ایم روسیه جایش را نگیرد و بلایی که در زمان مصدق بسرمان آمد تکرار نشود. آن یکی تفر بزرگ هم در مورد حزب خائن توده نوشته که مزدوران روسیه در ایران

مفاینه - روز دهم فروردین برای فروش نشریات حزب به خیابان رفتم. چند دقیقه از سفدن بساط نگذشته بود که عده ای از افراد حزب توده و چرفکهای فدایی خلق آنجا جمع سفند و خواستند که سر بحث را باز کنند. با تجمع اینها توده های مردم نیز دور ما حلقه رفند توده ایها بعد از رد و بدل کردن چند کلمه تا اوضاع را این طور سفند در رفتند. بحث بین ما و هوا داران چرفکها بر سر مسئله افغانستان و موضعفری فدائیان نشریه "کار" شروع سفد. ما در مورد استقلال و حاکمیت ملی و اینکه باید آن را در مبارزه علیه دو افر قدرت بدست آورد... و اینکه کشور ما از طرف روسیه و آمریکا مورد تهدفد است صحبت کریم

## سیاست درست در برخورد

زندگی زحمتکشان خدمت کفدونیروهای مولده رانچنان آزاد نمافد که استثمار و ستم را از سفن برده و تولید و توزفج را در خدمت توده های زحمتکشان واردوی کار قرار دهد. در جهان کنونی کشوری قادر است استقلال واقعی خود را حفظ نمافد که مردم آن کشور از وضع اقتصادی خوبی برخوردار بوده. پایه ی علمی قوی در جامعه رفخته شده و بپهداشت، فرهنگ و آموزش همه جا کفر باشد. بدون یک اقتصاد مسدرن و رشد یافته، نمیتوان صحبت از یک ارتش قوی و مستقل و فففر وابسته نمود.

رژیم منفور پهلوی و امفریالیسم آمریکا در کشور ما جهنمی را بر پا کرده بودند که میلیون ها توده مردم در آن میسوخند و کم و بیش این وضع همچنان ادامه یافته است. انقلاب ما می بافستی زحمتکشان را بالا می کشفد، آنها را در کلیه زمینه ها بر غارتگران وابسته خصوصی و اداری غالب مساخت. این یک وظیفه ی اساسی انقلاب بوده و کماکان هست. چنانچه انقلاب سفر تکاملی خود را حفظ ننمافد و بطور جدی و مؤسردر راه عدالت اجتماعی گام های اساسی بر ندارد، آنوقت توده های شهفد داده، توده های انقلابی چگونه میتوانند حرفه یسای جاکمین باور کنند و در باورشان استوار باشند؟ اگر بنا باشد شکاف بزرگ طبقاتی همچنان ادامه یافد، آنوقت چگونه انتظار میتوان داشت که توده ها باورشان آفد که انقلاب ما علیه امفریالیسم و عمالشان بوده است.

بدین ترتیب میبینم که برای حفظ استقلال کشور، باید اقتصاد کشور را نوسازی کرد. باید در این نوسازی تولید در خدمت رفاه اکثریت که همانا زحمتکشان هستند باشد و باید شکاف بزرگ کنونی را بین طبقات از میان برداشت و با سفیم کردن زحمتکشان در قدرت سیاسی (مساله اصل آزادی که بعدا به آن خواهیم پرداخت) جامعه را بسوی یک جامعه عادلانه (از ففدگاه زحمتکشان) سوق داد. تنها با چنین سیاست روشنی است که میتوان ادامه ی انقلاب را بمعنی واقعی تضمین نمود و درست بهمین خاطر است که ما میگوئیم اصل عدالت اجتماعی (بهبود وضع زحمتکشان) اساس سه اصل را تشکیل میدهد و برای رسیدن به استقلال باید از این اصل حرکت کرد و در این حرکت طبعا باید هدف استقلال را در نظر داشت و دقیقا آنرا هدافیت کننده و ستاره قطبی دانست.

از آنجا که ما در جامعه طبقاتی زندگی میکنیم و هر طبقه، طبقه نابینایی و وضعیت اجتماعی خود معنی استقلال، عدالت اجتماعی و آزادی را درک می کند و برای اجرای آن به همان درجه بفرگیری در عمل نشان می دهد، در نتیجه حزب ما باید بعنوان پیشاهنگ طبقه ی کارگر در مبارزه ی روزمره ی سیاسی بر اساس مشی حق داشتن، سود جستن و حدنگه سفداری در سمت توده های زحمتکشان بافستد. ایستادن در سمت

زحمتکشان برای یک حزب سیاسی، طبقه کارگریک اصل اساسی است. حزب ما هیچگاه عقافد خود را پو سفده نگه نداشتد و نگاه نمفد دارد که هدف نهایی اش جامعه ی بی طبقه و بسدون استثمار انسان از انسان است و برای رسیدن به آن مبارزه می کند. حزب ما برای موضع بوده و هست و این توده های زحمتکش اند که حزب ما باید بدانها تکیه کند. از آنها تغذیه نمافد و بدون آن حزب ما هیچ نخواهد بود. این اصل اساسی را نباید تنها در مقطع استراتژیکی به حساب آورد، بلکه درست بخاطر رسیدن به مرحله استراتژیکی بافدایین اصل اساسی را در هر مرحله باید در نظر داشت و دقیقا آنرا هدافیت کننده و ستاره قطبی دانست.

## اخبار کوتاه

### هشدار اتحادیه کمونیستهای ایران به چپ نماها

تهران - ۲۴ فروردین ماه. اتحاد کمونیستهای ایران در اعلامیه ای خطاب به نیروهای باصطلاح چپ هشدار داده است که هر چه زودتر سیاست اشتباه آمیز گذشته را تصحیح کرده و به صف توده ها در مبارزه ضد امفریالیستی آنها بفرند. این اعلامیه با انتقاد از نیروهای که اشغال جاسوس خانه را هیاهو و توطئه آمریکا نامفده بودند متذکر شده است که اکنون در فرور شد و تکامل مبارزات ضد امفریالیستی توده های مردم، امفریالیسم آمریکا ضربه های سختی خورده و با قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی میان ایران و آمریکا، این مبارزات "ابعاد جدید و گسترده تری بخود گرفته است" و نیروهای چپ

### ارامنه ایران، افشامیکنند

یکی از هموطنان ارمنی به نام وارطان باغلیان در نامه ای که به روزنامه جمهوری اسلامی (۲۵ فروردین ۵۹) نوشته است "انجمن فرهنگی و ملی ارامنه" را لانه جاسوسی و نفوذ حزب ضد مردمی توده در میان خلق ارمنی سفخواند. اسان در نامه خود دو تن از عوامل جاسوسی روسه را که پس از انقلاب از سرز شوروی وارد ایران شده اند، کارگزاران اصلی این انجمن میدانند که وظیفه آنها "تلفیقات ضد مردمی به طرفداری از رژیم شرقی تجاوزگر" است.

### پشتیبانی از تحریم المپیک مسکو

جمعیت زنان ایران به مناسبت تحریم المپیک مسکو از جانب شورای انقلاب طی اطلاعیه ای از این اقدام پشتیبانی کرده است. متن اطلاعیه یافن شرح است: اعلام تحریم المپیک ۱۹۸۵ مسکویه جهت تجاوز و خنبانه روسیه به افغانستان و در قدرت سیاست تجا و زکرانه افر قدرت امفریالیستی با نگر موضع قاطع، ضد امفریالیستی و استقلال طلبانه دولت و خلفهای ایران میبافد و منت محکمی است به دهان عمال این افر

قدرت تجا نخواه که خواهان وابسته کردن کشور عزیزمان به آن میباشد. جمعیت زنان ایران ضمن پشتیبانی خود از تحریم المپیک ۱۹۸۵ مسکو خواهان تقویت سیاست استقلال طلبانه و جدا از هر دو افر قدرت امفریالیستی روسیه و آمریکا میباشد. مرکز امفریالیسم به ویژه دو افر قدرت روسیه و آمریکا در رد سیاست تجا و زکرانه افر قدرت روس کوشا میباشم.

و برای خود جای پای ایران باز کرده بجای آمریکا منابع طبیعی و انسانی ما را غارت کنند.

آنها تلاش می کنند با نشان دادن دریاغ سیب زرد زمان مشکلات، خط استقلال طلبانه انقلاب ما را مخدوش کنند و آنرا بسوی سازش با روسیه و مدارا جویی با خود بکشانند.

۲- هدف دیگر وابسته کردن اقتصاد ما به شوروی است. یعنی خریدن گاز و نفت و دادن کالاها در مقابل آن تا زهر دو طرف ما محتاج خرید و فروش آنها باشیم. مثلاً ما شیخن آلات صنعتی و کالاهای مصرفی از روسیه وارد شود (بجای آنکه در داخل تولید گردد) و صنعت ما در گرو حسن نیت خرس شمالی باشد و روشن است که اگر این وابستگی اقتصادی بوجود آید در آینده موجب ایجاد وابستگی سیاسی و انحراف از خط نه شرقی نه غربی انقلاب و سازش با روسیه خواهد شد.

۳- هدف نهایی روسیه، سیاسی است، یعنی بقول خودشان "رام کردن، انقلاب" استقلال طلبانه ایران. چه ایران همچون دژی انقلابی و مستقل از ابر قدرت ها، سد راه تعرض آنها به خلیج فارس و سلطه به این منطقه برای سلطه بر اروپا است و آنها تلاش دارند به ترتیب که شده این سد راه یعنی انقلاب مستقل ایران را از جلوی پای خود بردارند.

اکنون امکان تعرض نظامی موجود نیست، چه در این صورت مردم ایران را به گورستان تجا و زنگران زوس تبدیل خواهند کرد، لذا نقشه روسها فشا را از داخل (از طریق گروههای مزدور و چپ نمنا و مسلمان نمای سازشکارها شرق) و فشا را از بیرون از طریق تهدید، تطمیع، وابسته کردن و... است تا انقلاب ایران تضعیف و منحرف شود و در اردوگاه روسیه قرار گیرد و آنوقت دیگر احتیاجی به

تجا و نظمی نیست چه ایران تبدیل به مستعمره نویسن روسیه شده است. این نقشه خطرناکی است که روسیه برای میهن ما کشیده است و هیات مخفی اقتصادی که هم اکنون به ایران آمده است گامی در پیاده کردن این نقشه و تبدیل ایران به زانده امپراطوری روسیه است.

آیا مردم ما برای این انقلاب کردند و وابستگی به غرب جنایتکار را در هم کوفتند تا به شرق تجا و زنگرا وابسته شوند؟ خیر، میلیونها نفر از مردم ما با شعار "نه شرقی نه غربی خود هزاران بار گرفته اند که انقلاب کردند برای اینکه ایران، مستقل باشد و برای اینکه ایران ما مستقل باشد و بروی پای خود بايستد و متکی بخود باشد.

مردم ما میخواهند که جای وابستگی به غرب را تولید ملی و رفاه خلق بگیرد و شوروی ما حتماً خواهد توانست که به چنین هدفی دست یابد. در زمان مشکلات باید به توده مردم و سرمایه ملی تکیه کرد. نه به امپریالیست دیگران و اینرو ما میخواهیم که مقامات مسئول صورت مذاکرات با هیات روسی را افشا کنند و توده های مردم را در جریان این مذاکرات بگذارند. بروی مواضع استقلال طلبانه ما با فشاری کنند و این هیات استعمار زوی را هر چه زودتر به خانه شان بفرستند. تاکنون نبرد حرمان نگذاشتن مردم از وجود این هیات و مذاکرات فی ما بین سواستی را برای همه نیروهای استقلال طلب ایجاد کرده که مقامات مسئول باید بدانها پاسخ گویند. مردم ما پس از انقلاب دیگر نمیتوانند مذاکرات مخفی و قراردادهای آن چنانی در پشت سرشان را بپذیرند و هرگونه قراردادی را که منافع ملی ما را زیر پا بگذارد و ما را به ابر قدرت دیگری وابسته کند شدیداً محکوم می کنند.

### امپریالیسم آمریکا

است و روز بروز با رشد تضادهای زیر: ۱- تضاد بین خلقها و امپریالیسم آمریکا ۲- تضاد بین امپریالیسم آمریکا و امپریالیستهای دیگر، تضعیف میشود.

امپریالیسم آمریکا و توسعه ندهود ظلم و ستم هر چه شدیدتر بر کشورهای جهان سوم، مقاومت و مبارزه انقلابی خلقها و ملتها ستم دیده نیز اوج گرفت و با شدت بیشتری امپریالیسم آمریکا را مورد تهاجم قرار داد.

انقلابات رهایی بخش در کشورهای تحت سلطه آمریکا از کشور چین آغاز شد و بتدریج گسترش یافت. تا پیروزی انقلاب چین آمریکا یکی از بزرگترین بازاریهای مصرف تولیدات آمریکا بی و نیروی کار فراوانی را از دست داد.

بدنبال این پیروزی انقلاب رهایی بخش خلق کره، پیروز شد و دومین ضربه اساسی بر پیکر آمریکا وارد آمد. به فاصله چند سال کوبا استقلال خود را از آمریکا بدست آورد و به مبارزات ضد آمریکا پیوست. در آمریکا لاتین دامن زد. پس از آن کشورهای آسیای از جمله ویتنام، کامبوج، لائوس،

### نوسازی و تقویت

روحیه کاردنی در خدمت رشد تولید ملی و خودکفایی با آیند و از نیروی تخصصی انسانی بزرگ ارتش برای رشد اقتصاد ملی متکی بخود استفاده شده و نزدیکی بیشتری میان ارتش و تولید برای رشد و جدت ارتش و ملت بوجود آید.

۱۲- ارتش با بدفهم و با برنامه وابستگی تسلیحاتی بخارج بر دوش تولید ملی نظامی متکی شود و این کار را باید ابتدا از تقویت منابع سک نظامی آغاز کرد و در مورد تکنولوژی پیشرفته از کشورهای غیر از آمریکا و روسیه احتیاجات وارد گردد. ۱۳- تمام قراردادهای نظامی با دوا بر قدرت باید لغو شود و قراردادهای قدیمی با دیگر کشورهای باید بر اساس تساوی حقوق و عدم وابستگی و دخالت مورد تجدید نظر قرار گیرد. قراردادهای جدید نیز بر این اساس منعقد شود.

۱۴- روابط ارتش منظم با ارتش ۲۰ میلیونی امام و سپاه پاسداران با بدخوب تنظیم شده و میان آنها هماهنگی در عین تقسیم وظایف بطور روشن، موجود باشد.

ارتش ۲۰ میلیونی پشت و پناه ارتش منظم است و ارتش منظم باید پیوند فشرده با ارتش ۲۰ میلیونی برای فشرده کردن وحدت با خلق ایجاد کند. و از سوی دیگر سپاه پاسداران بصورت نیروی اقلیمی و منطقه ای عمل کند در حالیکه ارتش وظایف عمومی و سراسر کشور را دارد.

با درپیش گرفتن و پیاده کردن چنین نقطه نظراتی است که قادر خواهیم شد ارتش جمهوری اسلامی را گام بگام نوسازی کرده و آنرا بصورت ارتش ملی و مردمی در خدمت دفاع از انقلاب و استقلال کشور در آوریم.

نیکاراگوئه و بالاخره ایران استقلال خود را از آمریکا بدست آوردند و این امر عرصه را بر سرمایه های آمریکا تنگ تر نمودند.

اگر اکنون کشورهای تحت سلطه آمریکا را با زمان جنگ مقایسه کنیم می بینیم که حوزه نفوذ امپریالیسم آمریکا روز بروز تنگ تر شده و با درگیر شدن در چندین مبارزات خلقها در آفریقا، آمریکا لاتین و خاور میانه و... همچنان بسوی نابودی میرود.

۲- آمریکا در زمان جنگ دوم جهانی بعد از دور بودن از میدانهای جنگ توانست برتری عظیم اقتصادی نظامی بر کشورهای اروپایی و ژاپن بدست بیاورد و علاوه بر کشورهای جهان سوم، کشورهای امپریالیستی اروپایی و ژاپن را نیز بنوعی تحت کنترل خود قرار دهد. آمریکا با دادن وام از طریق طرح مارشال به کشورهای اروپایی، توانست سلطه اخصاری خود را در آنجا نیز تا حدودی اعمال کند. اما رشد ناموزون سرمایه داری و رقابت قدرتها در امپریالیستی تناقضات و نوا و مناسبات میان امپریالیستها را بهم زد. ژاپن

و کشورهای اروپایی بعد از چند سال که توانستند ویرانیها و خرابیهای اقتصادی جنگ را با سازی کنند کم کم در مقابل آمریکا ایستادند و با اتخاذ سیاستهای جداگانه: همراهی نکردن با سیاستهای دیپلماتیک و مالی آمریکا، بی اعتنائی خروج از پیمانهای نظامی آمریکا مثل ناتو، عقیدت قراردادهای مستقل، با کشورهای جهان سوم و برسمیت شناختن جنبشهای آزادی بخش به آمریکا ضربه زدند.

در همین دوران که آمریکا از هر طرف تحت فشار بود امپریالیسم نوحا سته دیگری که در پی سرگردگی بر جهان است سر برآورد و به رقابت با آمریکا برخاست. امپریالیسم روسیه که تازه بمیدان آمده برای بدست آوردن سهم بیشتر شروع به صدور سرمایه به تحریکات و جنگ افروزی، کودتا و تها و نظمی به کشورهای غربی و به رقیب نیرومند سلطه جویی در مقابل آمریکا سدیل شده است.

علاوه بر اینها تضادهای موجود بین انحصارات مختلف امپریالیستی (که بر اثر از دست دادن مستعمرات شدت پیدا کرده و اختلافات نژادی و نژاد رضایتی مردم و مبارزات آنها در آمریکا و... به تضعیف این امپریالیسم کمک میکنند.

همه این دلایل گواه بر این است که آمریکا بیسر کاغذی ای پیش نبوده و روبه زوال است. البته باید در نظر داشته باشیم که سمت زوال یا بنده آمریکا از ماهیت غارتگری و درنده خوبی آن چیزی کم نمیکند و بهر حال یک ابر قدرت امپریالیستی است. با سودی حتمی این ابر قدرت روبه زوال در گرو وارد آمدن صرب ستر از جانب خلقهای زیر سلطه اش در عین حفظ هوشاری کامل نسبت به ابر قدرت نوحا سته روسیه و مبارزه پیکر علیه آن است.

# رویدادهای جهان



## خلق هزاره افغانستان در معرض خطر نابودی

مبهن پرستان هزاره‌ای که یکی از ملیت‌های کثیرالنفوس افغانستان است (۴ میلیون نفر) طی اطلاعاتی که اخیراً به جهانیان اعلام کرده‌اند که در معرض خطر قلع و قمع کامل توسط قوای روسی و دست نشاندهگان افغانی آنها قرار دارند. نیروهای نظامی اشغالگران و عمال آنها با ۴۰،۰۰۰ سرباز تمامی منطقه هزاره را کاملاً در محاصره خود گرفته‌اند.

در این اعلامیه آمده است: "تا یک ماه دیگر، همراه با آب شدن برف های زمستانی، روسها حملات شدیدی را علیه ما براه خواهند انداخت و همراه این حملات دست به حملات هوایی و پیاده کردن چترباز خواهند زد تا مگر منطقه ما را تصرف کنند و برادران ما را به قتل برسانند. ما با دلپره زیاد خود را در برابر این فاجعه آماده میسازیم و به یک کمک فوری معنوی جهانی نیازمندیم. قبل از دخالت شوروی، ما قادر بودیم با سلاح های خانگی خود در برابر دشمن مقاومت کنیم. ما موفق گشتیم تقریباً تمامی سرزمین خود را باستانی‌های مراکز استانهای بامیان و شاخساران آزاد

## قدرت نمائی ارتش نوین خلق در فیلیپین

گزارشات رسیده از فیلیپین حاکی است که اخیراً چریکهای ارتش نوین خلق وابسته به حزب کمونیست فیلیپین دست به یک اقدام جسورانه در ناحیه مرکزی فیلیپین زدند. در اسفند ماه گذشته یک گروه مسلح مرکب از ۳۰ چریک این ارتش شهر کوچک "لیبر تاد" را پس از درگیری با پلیس موقتاً تصرف کردند. این شهر در شرق جزیره "سیهان" واقع شده است.

در این عملیات دست کم یک پلیس کشته شد. این عملیات بخاطر اعتراض به شهردار "لیبرتا" که علیه مردم شکست در انتخابات کشوری برای ابقاء مقام خود پافشاری می کرد انجام گرفت.

### رویدادهای اقتصادی

#### دوباره دولتی کردن واردات علوفه

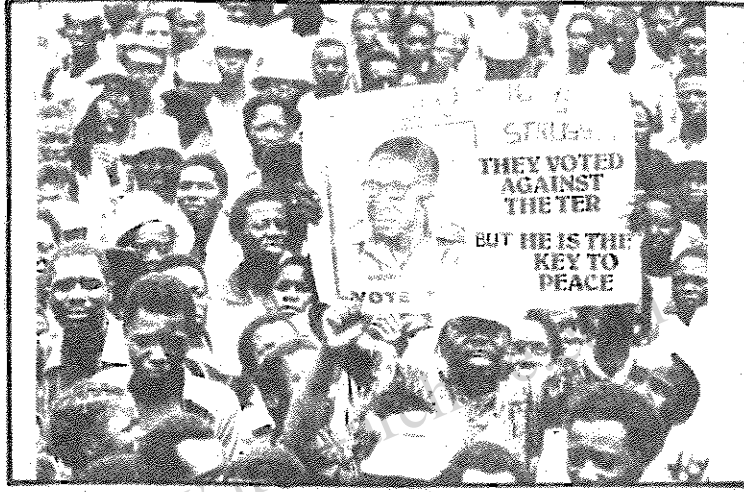
انحصار دولتی تنها میتواند به اقتصاد ملی ضربه بزند

## روز استقلال زیمبابوه

دولت وحدت ملی زیمبابوه روز ۲۷ فروردین را روز استقلال زیمبابوه اعلام کرده است. استقلال زیمبابوه در یک مبارزه طولانی علیه امپریالیسم استعمار و نژاد پرستی تحت رهبری جبهه میهن پرستان زیمبابوه به دست آمده است.

خلق زیمبابوه در سالهای طولانی ابعاد جنگ تغییر می یابد و خطر این موجود است که ما را از بین ببرند. ما از آنجا که فاقد وسائل ارتباطی هستیم و در کوهستانها بسر میبریم، موفق نگردیده‌ایم در تماس واقعی با دیگر مراکز نهضت مقاومت قرار بگیریم.

مبهن پرستان هزاره‌ای در این اعلامیه قید میکنند که قریب به ۲۰ هزار رزمنده در اختیار دارند و در صورت حمله دشمن می توانند دهها هزار نفر دیگر را نیز بسیج کنند. آنها همچنین میگویند در اثر بمباران روستاها توسط هواپیماهای دشمن هزاران نفر را از دست داده‌اند (از تاریخ کودتای آوریل ۱۹۷۸ به بعد). هزاره منطقه‌ای است واقع در مرکز افغانستان و با هیچ مرزی تماس ندارد (مانند حوضی در وسط یک حیاط). بدین خاطر نه میتوانند به کشوری دیگر پناهنده شوند و نه میتوانند دوا و آذوقه تهیه کنند، آنها کاملاً تحت محاصره قوای روسی قرار دارند و خطر نابودی این ملیت ۴ میلیونی افغانستان را شدیداً تهدید میکند.



## ویتنام در تایلند حزب میسازد

به گفته نشریه زیر زمینی "به پیش" که توسط حزب کمونیست تایلند منتشر میشود، تشکیلاتی بنام "حزب آزادیبخش ایسان تایلند" از طرف ویتنام در مهر ماه سال قبل در شهر وینتیان (بایتخت لاوس) سر هم بندی شده است. این حزب خلق الساعه نوپا از چند سیاستمدار دهقان و کارگر از استانهای شمالی تایلند منطقه "ایسان" تشکیل شده است و تبلیغ خود مختاری منطقه شمال را میکند. "به پیش" مینویسد که پرچم این حزب به زمینه سرخ با نقشه تایلند برنگ سبز میباشد. این حزب از طرف احزاب "کمونیست" ویتنام، لاوس، گوانگ و روسیه برسمت بدنبال تجاوز ارتش ویتنام به کامبوجیای دمکراتیک و اشغال این کشور زمامداران سلطه گر ویتنام در خدمت به سیاست توسعه طلبی جهانی ارباب خود در کرملین جهت دست یابی به تنگه "مالاکا" اشغال تایلند را در برنامه بعدی خود قرار دادند. تاسیس این حزب در تایلند در خدمت چنین برنامه‌ای است.

اخبار کوتاه بین المللی

باگسترش نارضایتی مردم اسرائیل از بنکین سازمان "اینک انتخابات" در صدد جمع آوری یک میلیون امضاء علیه او میباشد.

جمعیت حرکت انقلاب اسلامی افغانستان یکشنبه گذشته به خبرگزاری پارس در مشهد گزارش داد که در پی تصرف فرمانداری "بکوا" به وسیله مجاهدین این جمعیت یکصد و شصت و چهار قبضه سلاح سبک و سنگین و ۱۴ هزار عدد فشنگ به دست آنان افتاد.

## رویدادهای سیاسی

### تاراجی از کجا الهام میگیرد؟

سلسله گزارشات مفصل " در افغانستان چه میگذرد " بقلم منصور تا را جی همچنان صفحات روزنامه اطلاعات را پر میکند. بنظر این گزارشگر خواننده بمنظور شناختن زحوادث امروز افغانستان میبایست به یک بررسی تاریخی از جوامع افغان دست زد و البته " رسالت " این بررسی را نیز خود او و بعد میگیرد. این نویسنده در انجام این رسالت واقعیات افغانستان را وارونه جلوه میدهد و با زیرکی سیاستها و روشهای غلط تره کی - آمین یعنی یا ران سابق ببرگ کارمل را دلایل وضع کنونی افغانستان معرفی میکند نه تجاوز نظامی روسیه را.

تا را جی در طول مباحث عریض و طویل خود ببرگ کارمل را عنصری " مشرقی " که خواهان ایجاد حکومتی دمکراتیک و مردمی در افغانستان میباشد میزند. تا را جی زمانی این اراجیف را در روزنامه اطلاعات وابسته به " بنیاد مستضعفین " سر میدهد که خلق مستضعف افغان در زیر رگبار مسلسلها و مینگ های روسی و وحشیانه ترین سیاستهای رژیم پوشارلی کارمل قرار دارد.

مادر شماره گذشته تعرض سیاسی شوروی در منطقه را برای شناسائی رژیم مزدور کارمل متذکر شدیم و حال این سؤال مطرح است که نوشتن چنین مقاله‌ای در خدمت سیاست روسیه است یا دفاع از مردم افغانستان؟ اما تا را جی با پدید آمدن تحلیلی ها و پژوهشگری های تاریخی ایشان هرگز قادر به توجیه تجاوز آشکار روسیال امپریالیستهای روسی در افغانستان نیست و غلطی در ارائه مردم ایران در محکوم ساختن اشغال افغانستان ایجاد نخواهد کرد.

مردم ایران متحد خلق های افغانستان در مبارزه برای رهایی از سلطه ابرقدرتهاست و بنا بر این هرگز تحمل نخواهد کرد تا تا را جی برای روسها این چنین خوش خدمتی کند.

## هرج و مرج در بالا

مدتی است که مسئولین امور مرتباً " از مردم انتقاد میکنند و مصرا نه میخواهند که دست به ایجاد هرج و مرج نزنند و نظم انقلابی را رعایت کنند. البته نظر مسئولین درست است و هرج و مرج بکار انقلاب بسیار لطمه زده و میزند اما نکته قابل ذکر اینجاست که هر چه خسر می‌شویم بیشتر از اینکه حکایت از هرج و مرج طلبی مردم بگردد، گسجی، سردرگمی، چند مرکزیتی و دهها نمونه هرج و مرج دیگر را در میان خود دست اندرکاران حکومت بر ملامت میسازد.

در همین چند روز گذشته از طرف مقامات دوبا اعلام شده که سینماها بنبف بنیاد مستضعفین مصادره میشود و دوبا رهبر این خبر تکذیب شده. در عین حال از اصفهان خبر میرسد که کارمندان سینماها پایان رسید. اداره ای تحت نام مبارزه با منکرات مشغول بستن درگاهها، و جلب " هنرمندان سابق " است.

امادولت میگوید اصلاً ما چنین اداره ای نداریم. کارکنان وزارت کشور برای پاکسازی طاغوتیان و جلوگیری از فساد و بوروکراسی اعتراض میکنند، وزارت کشور خود اعتراض کنندگان را بجرم " طاغوتی " بودن اخراج و سپس دستگیری و زندانی میکنند.

وزارت ارشاد طرح میریزد تا مسافرت بخارج ممنوع

همیشه بر سر توزیع و فروش این علوفه دعوا بود. در اثر زد و بندها و فساد نیارهای توانگران تامین می شد ولی خرده پاها آواره بازار سیاه می شدند. بسیاری از دامداران کوچک، به همین دلیل مجبور می شدند تا در آستانه زمستان دامهای خود را بفروشند و بسیاری دیگر از توسعه کار خود محروم می ماندند.

با وجود چنین تجاربی طرح اخیر دولت مزید بر علت شده و حتی آن بخش هایی از دآمداری که کمتر زیر یوغ بوروکراسی بودند و خودشان خوراک دامی مورد نیازشان را وارد و تامین می نمودند باین فساد گرفتار شده و به جای دآمداری برای رفع احتیاجاتشان در راهروهای ادارات سرگردان خواهند شد.

اگر دولت واقعا به فکر حل مسائل دآمداری و توسعه آن است، بجای این سیاست غلط می بایست سیاست صحیح

بقیه در صفحه ۳

شورای انقلاب با صدور تصویب نامه های واردات علوفه و خوراک دامی را به انحصار دولت در آورد.

در حالی که دولت و شورای انقلاب هر روز از براه انداختن تولید داخلی و کمک به سرمایه داری کوچک، متوسط و ملی در بخش های مختلف صنعتی، تجاری و خدمات صحبت می کنند و در شرایطی که دستگاه عریض و طویل بوروکراسی یکی از بزرگترین عوامل اخلاص در پا گرفتن و رشد اقتصاد ملی محسوب می گردد، معلوم نیست صدور چنین تصویب نامه های چگونه می تواند قابل توجیه باشد.

مسئله علوفه و خوراک دامی از مسائل اساسی دآمداری ایران است و با توجه به اینکه دآمداری بخش مهمی از اقتصاد ملی و زمینه بسیار مساعدی برای رشد و توسعه سرمایه ملی بحساب می آید، از این رو تعیین سیاست های مربوط به آن مستقیما با چگونگی بر خورد به اقتصاد ملی در بخش روستائی پیوند دارد.

در دوران شاه مخلوع که هدف هیئت حاکمه بر قرار نمودن کامل حاکمیت امپریالیسم و سرمایه داری وابسته در همه زمینه ها و از جمله بر اقتصاد روستائی بود، آنان اقتصاد ملی روستا را با حاکم کردن سرمایه - داری بوروکرات از طریق دستگاههایی چون شرکت های تعاونی، بانکها و ادارات رنگارنگ و اتحاد سیاستهایی چون "ملی کردن" موانع و... به ورطه نابودی سوق دادند و به ارکان اقتصاد روستائی و از جمله دآمداری ایران ضربات و لطمات فراوانی وارد آوردند. اکنون که نیز شاهد نتایج تاسف بار آن هستیم.

آن دستگاه بوروکراسی هنوز باقی مانده است، هم چون گذشته به اقتصاد ملی جنگ و دندان نشان می دهد.

در حال حاضر اگر چه رژیم شاه سرنگون شده، لیکن چون غول بزرگ برای پیشرفت مانع ایجاد می کند.

در چنین شرایطی شورای انقلاب تصمیم می گیرد که طناب این بوروکراسی را بر گردن یکی دیگر از بخش های فعالیت اقتصادی نیز بیفکند و واردات علوفه را به انحصار دولت در آورد. روشن است که چنین سیاستی به هیچ وجه عاقلانه نیست. بخصوص اینکه در چنین زمینه های تجارب مشخصی نیز موجود است. دولت پیش از این هم علوفه و خوراک دام وارد میکرد و

کار سانس جنبه بر اساس بین المللی بر اساس نمونه برداری از خون سربازان خمر سرخ اظهار داشتند که این سربازان در اثر گازهای سمی که از طرف ارتش ویتنام بکار برده شده کشته شده اند.

دولت جمهوری مرکزی آفریقا به خاطر دخالت های روسیه و لیبی در امور داخلی این کشور و کشور چاد روابط خود را با آنان قطع نمود.

وزیر دفاع جدید ایتالیا از کارتر خواست تا تدابیر نظامی بر علیه ایران اتخاذ نکند زیرا این کار آمریکا را از متحدین خود جدا کرده و به انزوا می کشاند.

وزیر امور خارجه آلمان اعلام کرد که تا وقتی که نظامیان شوروی در افغانستان باقی بمانند دولت آلمان با اعزام ورزشکاران آلمانی به المپیک مسکو مخالف است.

یک سر تیپ باز نشسته و دو افسر جزا زاپنی به جرم جاسوسی برای روسیه به زندان محکوم شدند.

شوروی بعثت نافرمانی ارتش افغانستان، ۲۰ هزار سرباز دیگر به این کشور گسیل می کند.

به گفته این جمعیت چهار تن از اعضای حزب "پرچم" بعد از اثبات مزدوریشان در یک دادگاه انقلابی محکوم و اعدام شدند و بیست و پنج تن دیگر به گروگان گرفته شدند.

اسلام آباد (پاکستان) -

به گزارش روزنامه انگلیسی زبان "پاکستان تایمز" روز دوشنبه گذشته رژیم مزدور ببرک کارمل بیش از ۹۰ تن از افسران ارتش را به اتهام فعالیت های ضد دولتی برکنار ساخته است. طبق گزارشات رسیده تعدادی از این افسران باز داشت گردیده و به مکان های نا مشخص برده شده اند.

بنا به گزارش برخی از بستگان این افسران که توسط مقام های دولتی برای باز جوئی احضار شده بودند آنان به پاکستان و ایران فرار کرده اند.

بر اساس گزارش افغانهای مهاجر تعداد زیادی از کارمندان بخش دولتی از جمله مدیران وزارت خانه های مختلف دولت افغانستان را تنها گذاشته اند و به نیرو های مبارز کمک می کنند. پناهندگان افغانی به پاکستان هم - چنین گفتند که تعداد زیادی از افسران دولتی مفقود شده اند.



## مشکل سینماها

بنا به حکم دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران، سینماهای کشور در اختیار بنیاد مستضعفین قرار گرفت. علت تصمیم گیری دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی، مبارزه با "فساد و فحشاء در کلیه سطوح" و اینکه "اماکن فرهنگی قابل استفاده عمومی باید در اختیار ارگان قابل اعتمادی باشد تا جنبه پیشرفت دین مبین اسلام تقویت توده و در ضمن منافع حاصل از این اماکن در اختیار بهبود فرهنگ یا شرایط زیستی مستضعفین قرار گیرد". ذکر شده است. معلوم نیست مقامات مربوطه به چه خاطر بنیاد مستضعفین را انتخاب کرده اند. بنیاد مستضعفین در اداره آنچه که تا کنون تحت اختیار گرفته، چه گلی به سینه ملت زده که این بار بزند به طوریکه حتی امام خمینی و آیت الله منتظری نیز در این باره دادن تذکراتی را لازم دانستند. و اصولا آیا مقامات مسؤل فکر می کنند از این طرق می توانند فرهنگ ملی و اسلامی و مردمی را توسعه دهند؟ تجربه مخالف این را نشان داده است.

چنین اقداماتی از موضعی انحرافی سر چشمه می گیرد که هیچ دردی را دوا نخواهد کرد.

حل معضلات فرهنگی و اجتماعی برنامه ریزی صحیح و واقع بینانه، و کارو تلاش می خواهد و با این اداره بازیها حل نخواهد شد.

بعلاوه کسانی که دائما از تعدد مراکز قدرت می نالند معلوم نیست چگونه موافقت می کنند که با انحصاری کردن هر آنچه که می توان انحصاری کرد، مراکز متعدد قدرت را دائما قدرتمندتر کنند و به هرج و مرج کنونی بیشتر دامن بزنند.

## \* تحریم المپیک

با هم متحد شوند و علیه دوا بر قدرت بایستند، به آن مقدار بیشتر صلح جهانی تقویست میشود و اگر قدرتها جرات تجا وز به کشورهای ستم دیده را بخود راه نمیدهند. ما هم اکنون مواجه با یک تعرض وسیع و جهانی امپریالیسم روسیه برای سلطه بر جهان هستیم و تنها راه متوقف ساختن آن و حفظ استقلال کشورهای جهان سوم متحد شدن و مقاومت کردن است و نه تفرقه و مدارا جوئی.

خواست مردم ما روشن است و اگر کسانی تلاش میکنند تزلزل خود را بیای مردم بگذارند و در تصمیم شورای انقلاب تجدید نظر نکنند آنوقت با پدیا سخگویی چهره های خشمگین ملت ما و یا سخگویی خلقهای مبارز افغانستان باشند.

در چند ماه اخیر هزاران مستشار نظامی و غیر نظامی کوبانی به نیکاراگوئه رفته و با گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی بین نیکاراگوئه و کشورهای وابسته به امپریالیسم روس بیم آن می رود که نیکاراگوئه به یک کوبای دیگری در امریکای لاتین تبدیل شود. اما از هم اکنون مقاومت هایی با این سیاست دولت په چشم می خورد.

"پررو باریوس سر دبیر روزنامه "نیکاراگوئه لاپرنسا" طی سر مقاله ای مسئولین کشورش را به علت دادن رای ممتنع به قطعنامه سازمان ملل به خاطر حکومت شوروی در اشغال نظامی خاک افغانستان، مورد انتقاد قرار داده و نوشت اگر "ساندینرا" (قهرمان ملی خلق نیکاراگوئه که ساندینیستها نام خود را از او گرفته اند) در افغانستان زاده شده بود، گردن متجاوزین روسی را می شکست و سراز بدنشان حدامیکرد.